

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی و مجموعی - ترتیب در مرجحات

برگه جلسه :

صفحه 1694 و 1695 یا 3202 و 3203

برگشت همه مرجحات به مرجح سندی، آری یا نه؟

بدون تردید لحن عموم باحثان اصولی - هر مسلکی که در مدیریت ترتیب مرجحات داشته باشند - این است که مرجحات به یک نقطه قانونی بر نمی گردند و اندک کلمات نقل شده توسط ما در همین گفتار، شاهد این ادعاست. لکن در مقابل، این ادعا را داریم:

(جلسه صد و هفتم)

«أن المزايا المرجحة لآحد المتعارضين الموجبة للأخذ به و طرح الآخر - بناء على وجوب الترجيح - و إن كانت على أنحاء مختلفة و مواردھا متعددة، من راوی الخبر و نفسه و وجه صدوره و متنه و مضمونه مثل: الوثاقه و الفقاہة و الشهرة و مخالفة العامة و الفصاحة و موافقة الكتاب و الموافقة لفتوى الاصحاب، الى غير ذلك مما يوجب مزية في طرف من أطرافه، خصوصا لو قيل بالتعدى من المزايا المنصوصة الا أنها موجبة لتقديم أحد السندين و ترجيحه و طرح الآخر فإن أخبار العلاج دلت على تقديم رواية ذات مزية في احد اطرافها و نواحيها. فجميع هذه من مرجحات السند حتى موافقة الخبر للتقية فانها ايضا مما يوجب ترجيح أحد السندين و حجيته فعلا و طرح الآخر رأسا و كونها في مقطوعى الصدور متمحضة في ترجيح الجهة لا يوجب كونها كذلك في غيرهما ضرورة أنه لا معنى للتعبد بسند ما يتعين حمله على التقية فكيف يقاس على ما لا تعبد فيه للقطع بصدوره؟!»¹

محقق عراقی نیز هم اندیش با محقق خراسانی است؛ با این مزیت که به جای تعبیر به «ترجیح سندی»، تعبیر به «ترجیح صدورى» می کند و در آخر به این نکته اشاره می کند: «...رجوع [ترجع] المرجحات الى الترجيح الصدورى... غاية الامر يختلف وجه ترجيح السند في هذه المرجحات من كونه تارة لاجل قوة احتمال الصدور و اخرى لأجل قوة المضمون و ثالثة لاجل قوة الجهة. نعم انما تتمحض المخالفة للعامة في الترجيح بالجهة في ما اذا كان الخبران مقطوعى الصدور و لكن ذلك لا يقتضى كونها كذلك حتى في غير مقطوعى الصدور»².

نقد گفته ها در ترتیب مرجحات

محقق خویی - ره - موافق نظر وحید بهبهانی، محقق خراسانی و محقق نایینی نیست و در تضعیف سخنان ایشان - که قبلا نقل گردید - فرموده است:

«اما ما ذكره الوحيد البهبهاني - ره - ففيه ان مجرد كون احد[أحدى] الروایتين مخالفة للعامة لا يوجب القطع بان الخبر الموافق لهم لم يصدر او صدر عن تقية، لأن الاحكام المتفق عليها بين الفريقين كثيرة في نفسها [انفسها] فيحتمل كون الخبر الموافق لهم صادراً عن المعصوم لبيان الحكم الواقعي و كون الخبر المخالف لهم غير صادر أو صدر عن غير جد. و أما ما ذكره صاحب الكفاية (قدس سره) ففيه: أن مقتضى ظاهر صحيحة الراوندی تقديم الترجيح بموافقة الكتاب على الترجيح بمخالفة العامة فلا عبرة مع موافقة الكتاب بمخالفة العامة و عدمها و أما ما ذكره المحقق النائینی (قدس سره) ففيه: أنه مجرد استحسان لا يصلح لرفع اليد عن ظهور الرواية في تقديم الترجيح بموافقة الكتاب على الترجيح بمخالفة العامة»³.

ادامه نقد و نقد نقد

در ادامه نقد اندیشه محقق وحید بهبهانی باید گفت: در تعارض خبر موافق و مخالف عامه، نباید گفت: خبر موافق حتما تقیة

صادر شده است، حتی اگر احتمال آن به قدری قوی باشد که مانع جریان اصالة الجد باشد، باز هم از مفروض بحث خارج می شویم! بحث ما در تعارض دو حجت با یکدیگر است و تغلیب یک حجت بر حجت دیگر نه تعارض حجت با لا حجت.⁴

(پایان جلسه)

نسبت به نقد محقق خویی بر مرحوم آخوند می توان اشکال داشت؛ با این بیان که:

بر اساس موازین رجال روایت جناب راوندی صحیح نیست! روایت این است:

«سعید بن هبة الله الراوندی فی (رسالته) التي ألفها فی أحوال أحاديث أصحابنا و إثبات صحته عن محمد و عليّ ابني عليّ بن عبد الصمد عن ابيهما عن أبي البركات عليّ بن الحسين عن أبي جعفر ابن بابويه عن أبيه عن سعد بن عبدالله عن أيوب بن نوح عن محمد ابن أبي عمير عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله قال: قال الصادق - عليه السلام -: إذا ورد عليكم حديثان مختلفان فاعرضوهما على كتاب الله ، فما وافق كتاب الله فخذوه و ما خالف كتاب الله فردّوه، فإن لم تجدوهما فی كتاب الله فاعرضوهما على أخبار العامة فما وافق أخبارهم فذروه و ما خالف أخبارهم فخذوه».⁵

01. كفاية الاصول، ج2، ص410 و411.

02. نهاية الافكار، قسم دوم از جزء چهارم، ص200 و201.

03. مصباح الاصول، ج3، ص419 و420.

04. بحثهای مبنایی گذشته در این جا اثر خود را نشان می دهد.

05. الوسائل، ج27، ابواب صفات القاضي، باب9، ص118، ح29.

* فایل برگه خام : [\(javascript:nicTemp\)](#)

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

برگشت همه ي مرجحات به مرجح سندي

صحبت در این ارتباط بود که آیا مرجحات مرجع واحدي دارند و همه به يك مرجع برمي گردند یا مرجحات در سه باکس مستقل یا بیشتر تعريف مي شوند؟ گفتیم که مشهور حرف دوم را مي زنند اما هستند نادر اصولي هاي ايستاده بر قله اي که قائل شده اند که مرجحات حتي بنا بر توسعه ي آن به غير منصوص همه بر مي گردند به يك جهت. يکي از آن بزرگان آقاي آخوند است. ایشان حرفشان این است که:

«ان المزایا المرجحة اگر چه اشکال مختلفی دارد و مواردش متعدد است (شاید منظور از موارد موضوع، متعلق، پیاده شدنش باشد) من راوي الخبر برخي از مرجحات به راوي خبر برمي گردد مثل این که گفته مي شد اصدق، اورع. و نفسه يعني نفس خبر، این که يکي مشهور باشد و ديگري نباشد و وجه صدور که مخالف عامه باشد، موافق عامه باشد و متنه متن يکي محکم تر از ديگري باشد، يکي نقل به معنا باشد و ديگري نقل به عين الفاظ باشد یا گاهي برخي از متون از يك فخامتي برخوردار است بر خلاف ديگري و مضمونه گاهي اوقات مرجح مربوط به مضمون است مثل این که يکي مؤيد از قرآن دارد، موافق ضوابط شرعي است ولي ديگري مخالف ضوابط شرعي است اگرچه سندش هم قوي باشد مثل الوثاقة و الفقاهة و الشهرة و مخالفة العامة و الفصاحة این فصاحت به متن مي خورد و موافقة الكتاب و الموافقة لفتوي الاصحاب به ترتيبی که فرمود مثال مي زند الي غير ذلك خصوصا لو قيل بالتعدي که خیلی زياد مي شود پس ایشان در فرض تعدي هم همین حرف را مي زند. اما مي گوید من قبول دارم که مرجحات زياد است، اشکال مختلف، خواستگاهشان هم متفاوت است يکي به راوي حديث برمي گردد، يکي به متن حديث يکي به خود خبر يکي به مضمون خبر ولي همه ي این ها به يك چیز بر مي گردد و آن این است که سند و صدور يك

خبر را تقویت می کند. یعنی هر کدام مرجح دارد این تقویت را دارد الا انها موجبة لتقديم احد السندين و ترجيحه علي الآخر و طرح الآخر. پس همه ي این ها بر می گردد به سند و سند نه به معنای عن فلان عن فلان این که می شود صفات راوی بلکه سند که می گوئیم یعنی جهت صدور یعنی این ها انسان را به اطمینان بیشتری می رساند که بین روایت الف و ب روایت الف صادر شده است نه ب. آقای عراقی نمی گوید سند و تعبیر می کند به جهت صدور، ترجیح صدوری (این تعبیر بهتر است از تعبیر آقای آخوند). شما چرا می گوئید موافقت با عامه مرجوح است و مخالف عامه مرجح است؟ چون در مخالف تقیه احتمال تقیه نیست اما در موافق عامه احتمال تقیه هست، باز در این جا این سؤال مطرح می شود که چرا اگر احتمال تقیه باشد مرجوح است؟ پاسخ این است که اگر احتمال تقیه باشد احتمال این که از معصوم صادر نشده باشد وجود دارد یا صدورش به نحو جد نبوده است، سندش (آن چیزی که بخواهد حکم شرعی را ثابت کند) ضعیف است چون احتمال تقیه دارد. یا در موافقت کتاب می گوئیم چون مضمونش مؤید به قرآن است و مطمئن می شویم که این صادر شده است یعنی درجه ی اطمینانمان به صدور این بیشتر است. الا انها موجبة لتقديم احد السندين ... پس اخبار علاج دلالت می کنند که هر روایتی مزیت دارد اما این ها مرجحات سند است حتی موافقت خبر با تقیه. ممکن است کسی بگوید موافقت خبر با تقیه وصف صدور است نه خود صدور، ایشان پاسخ می دهد که آن هم برمی گردد به خود صدور به این جهت که باعث می شود شما یکی از سندين را ترجیح دهید فعلا و دیگری را رد کنید (در این جا ما با آقای آخوند حرف داریم) فقط يك مورد می ماند؛ ممکن است کسی بگوید در جایی که دو روایت داریم که هر دو سند دارند، سندها هم مثل هم هستند یکی موافق عامه و دیگری مخالف عامه، سند هم قطعی است مثل این که خود ما از امام معصوم شنیده ایم. در این جا شما چه می گوئید؟ آیا می توانید بگوئید ترجیح سند؟

آقای آخوند پاسخ می دهد این مورد را قبول دارم ولي يك سؤال: در این جا که هر دو قطعی است و نمی توانیم بگوئیم اشکال دارد جایی که می شود گفت (واقع اینطور است) نگوئیم؛ لذا می گوید: و کونها في مقطوعي الصدور متمحضا في ترجیح الجهة در این جا باید بگوئیم قطعا یکی صادر شده است از روی تقیه و دیگری صادر شده است بدون تقیه لا یوجب کونها كذلك في غیرهما ضرورة انه لا معني للتعبد بسند ما يتعين حمله علي التقیة در آن جا دیگر حتما باید کنار بگذاریم اما در جایی که یقین نداریم و احتمال تقیه می دهیم می توانیم بگوئیم روایت مخالف عامه سندا ترجیح دارد.

آقای عراقی هم مثل محقق خراسانی بیان کرده و گفته ترجع المرجحات الي مرجح الصدوري. اگر بگوئید این چه اصراری هست که شما دارید؟ منشأ مرجحات مختلف است. ایشان پاسخ می دهد من هم قبول دارم و درست است که مناشئ متعدد است اما همه باعث يك چیز می شوند (برایندشان يك چیز است) غاية الامر یختلف وجه ترجیح السند تارة به خاطر قوت احتمال صدور است و تارة به خاطر قوت مضمون است ثالثة قوت جهت است اما این قوت ها همه بر می گردد به ترجیح در صدور بله آن استثنایی که مرحوم آخوند زد را ما هم قبول داریم.

ما تا حالا ناقل بودیم اما نه از دیگران و نه از خودمان چیزی به عنوان نقد نداشتیم. از این به بعد وارد نقد گفته ها می شویم. منتهی به ترتیب. ما در ترتیب مرجحات از وحید بهبهانی، از فاضل رشتی، از محقق نائینی، آقای آخوند، دیدم برخی از علمای بعد از ایشان کلمات این ها را نقد کرده اند و برای این که با کلمات بیشتر آشنا شوید نقد این بزرگواران را آورده ام.

جناب آقای خویی یکی از این افراد است. ایشان مرجحات را خیلی مختصر کرده است. یکی موافقت با کتاب و دیگری مخالفت با عامه. در این دو هم اول موافقت با کتاب و دوم مخالفت با عامه لذا راضی به برخی کلمات دیگر نیست. در این متنی که از ایشان می آوریم، ایشان هم سخن آقای بهبهانی را نقد می کند (به حق) هم سخن جناب نائینی را نقد می کند و هم سخن صاحب کفایه را.

راجع به سخن آقای بهبهانی می گوید: شما گفتید مرجح جهتی مقدم بر سایر مقدمات است چون وقتی يك روایت مرجح جهتی داشت یعنی مخالف عامه بود این دیگر تقیه در آن راه ندارد در حالی که در موافق صدر تقیتا یا اصلا صادر نشده است (خبر موافق یا اصلا صادر نشده است یا صادر شده است از روی تقیه)؛ اگر اینطور باشد باید مرجح جهتی را اول بررسی کنیم.

ایشان می گوید: چه کسی گفته است که روایت موافق عامه یا اصلا صادر نشده است یا از روی تقیه صادر شده است؛ مگر ما مشترکات با عامه نداریم؛ اگر مشترکات داریم نهایتا می توانیم بگوئیم احتمال تقیه وجود دارد پس نفرمایید روایت موافق حتما تقیة صادر شده است یا حتما صادر نشده است. ففیه ان مجرد کون احد الروایتین مخالفة للعامة لا یوجب القطع بان الخبر الموافق لهم لم یصدر او صدر عن تقیة لان الاحکام المتفق علیها بین الفریقین کثیرة فی نفسها فیحتمل کون الخبر الموافق هم

صادر لیبان حکم الواقعي چنان چه خبر مخالف هم صادر شده باشد منتهی گاهی احتمال می دهیم خبر مخالف صادر نشده باشد، خبر مخالف اشتباه است چون ما با آن ها مشترکات داریم.

اما آقای آخوند: آقای آخوند ترتیب را نپذیرفت و گفت اخبار ظهور دارد در اصل شمارش مرجحات نه بیشتر. آقای خویی اشکال می کند که ما صحیحه ی راوندی را از امام داریم که امام اول راوی را به موافق کتاب و مخالف کتاب ارجاع می دهند، این سنجه را می آورند بعد می فرمایند اگر این سنجه به کار نیامد (مثل این که مضمون هیچ کدام در قرآن نیست) فرمودند برو سراغ مخالفت با عامه، در این جا شما می توانید بگویید ترتیب ندارد؟ (آقای خویی می توانست مقبوله ی این حنظله را هم بیاورد ولی چون ایشان مقبوله را قبول ندارد به روایت راوندی تمسک کرده است).

و اما آقای نائینی: ایشان گفت اول می رویم به سراغ مرجحات صدوری، سندی بعد می رویم سراغ مرجحات جهتی، بعد می رویم مضمونی. آقای خویی می فرماید این ها به غیر استحسان هیچ چیز دیگری نیست. و اما ما ذکره المحقق النائینی قدس ففیه انه مجرد استحسان. جالب این است که این ترتیب در روایات هم نیست. طبق نظر آقای نائینی اول باید مرجحات صدوری مثل صفات راوی و شهرت باشد بعد مخالفت عامه و بعد موافقت کتاب در حالی که این بر خلاف مقبوله و صحیحه ی راوندی است.

ادامه ی نقد و نقد نقد

ما در این جا هم ادامه دهنده ی راه آقای خویی هستیم و هم بر ایشان نقد داریم.

ادامه ی نقد: ادامه ی نقد آقای خویی به وحید بهبهانی است. من با آقای بهبهانی این طور حرف می زنم و می گویم: آقای وحید بهبهانی اگر شما معتقد هستید که در روایت موافق عامه باید بگوییم حتما تقیة صادر شده است یا اصلا صادر نشده است این که دیگر وارد میز حجت از لا حجت می شود. مگر ما روایتی که یقین داریم که صدرت تقیة در باب تعارض می آوریم؛ بالاتر اگر روایتی است که یقین نداریم از روی تقیه صادر شده است اما اطمینان داریم، گمان قوی داریم به گونه ای که دیگر نمی توانیم اصالة الجد جاری کنیم، بازهم در باب تعارض نمی آید؛ در باب تعارض باید دو تا حجت را کنار هم گذاشت که سند، دلالة و از جهت صدور کامل باشند.

من نقد را ادامه دادم ولی این در صورتی است که مراد ایشان این باشد که خبر موافق حتما از روی تقیه صادر شده است ولی اگر نظر ایشان این باشد که باید با خبر موافق معامله ی تقیه بشود، در این صورت دیگر این نقد وارد نیست و باید نقد از این جهت باشد که این باعث نمی شود که ما مرجح جهتی را مقدم کنیم چون یقین نداریم که از روی تقیه صادر شده باشد پس مرجح ایشان به هم می ریزد. علی ای حال فرمایش آقای بهبهانی ثابت نیست.

الحمد لله رب العالمین